Comparative Studies on Islamic and Western Law
Print ISSN : 2476 - 4213 Online ISSN : 2476 - 4221
Homepage : https://csiw.qom.ac.ir

Islamization in Prison: A Case Study of Prisons in England, France, and Switzerland

Ehsan Salimi Ghalei [1], Sepideh Bouzari [2], Mobina Kianmehr [3], Amin Radman [4]

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, University of Maragheh, East Azarbaijan, Maragheh, Iran (Corresponding Author). Email: e.salimi@maragheh.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, University of Maragheh, East Azarbaijan, Maragheh, Iran. Email: bozari.s@maragheh.ac.ir

3. M.A. in Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran. Email: mobinakianmehr7@gmail.com

4. Assistant Professor, Department of Law, Ayandegan Higher Education Institute, Tonekabon, Iran, Email: aminradman@aihe.ac.ir

Abstract

The inclination toward Islam has been increasing in recent years, and this phenomenon is particularly noticeable among prisoners. The present study examines Islamization in prisons in England, France, and Switzerland using a secondary qualitative data analysis of the book Islam in Prison. The findings indicate that a considerable number of non Muslim prisoners convert to Islam during their incarceration, while many Muslim inmates develop a deeper commitment to their religious values. This tendency emerges from the interaction of several factors: psychological factors such as the need for spiritual peace and identity reconstruction; social factors such as a sense of brotherhood and collective solidarity; and environmental factors such as structured religious programs within prisons. From a functional perspective, Islamic values particularly the concept of repentance contribute to reducing recidivism and facilitating the successful rehabilitation of offenders by creating spiritual discipline, strengthening social bonds, and reconstructing a non criminal identity. Contrary to negative media portrayals, well designed religious programs not only prevent extremism but also promote inmates' inner transformation and prepare them for reintegration into society through moderate and hopeful interpretations of religion. Accordingly, this study emphasizes the importance of developing inclusive and tolerant religious programs in Iran, including the expansion of faith based initiatives grounded in hopeful Qur'anic teachings, strengthening the role of religious inmates as positive role models, and developing post release support networks.

Keywords: Imprisonment, Crime, Islamization, Search for Meaning, Repentance, Extremism.

پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب
شاپا الکترونیکی: ۲۴۷۶-۴۲۲۱ شاپا چاپی: ۲۴۷۶-۴۲۱۳
Homepage : https://csiw.qom.ac.ir

اسلام‌گرایی در زندان؛ مطالعه موردی زندان‌های انگلستان، فرانسه و سوئیس

احسان سلیمی قلعه‌ئی[۱]، سپیده بوذری [۲]، مبینا کیان‌مهر [۳]، امین رادمان [۴]

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، آذربایجان شرقی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: e.salimi@maragheh.ac.ir
۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، آذربایجان شرقی، مراغه، ایران، رایانامه: bozari.s@maragheh.ac.ir
۳. کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: mobinakianmehr7@gmail.com
٤. استادیار گروه حقوق دانشگاه آیندگان تنکابن ایران، رایانامه: aminradman@aihe.ac.ir

چکیده

گرایش به اسلام به‌طور فزاینده‌ای در حال وقوع است؛ این پدیده در میان زندانیان نمود قابل توجهی دارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده‌های کیفی کتاب «Islam in Prison» به مطالعه اسلام‌گرایی در زندان‌های انگلستان و فرانسه و سوئیس می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد قابل‌توجهی از زندانیان غیرمسلمان در دوران حبس به اسلام گرویده‌اند و بسیاری از زندانیان مسلمان نیز تعهد عمیق‌تری به ارزش‌های دینی خود پیدا کرده‌اند. این گرایش نتیجه تعامل عوامل روانی مانند نیاز به آرامش معنوی و بازسازی هویت، عوامل اجتماعی مانند حس برادری و انسجام جمعی و عوامل محیطی مانند برنامه‌های دینی ساختارمند است. از حیث کارکردی، ارزش‌های اسلامی به‌ویژه مفهوم توبه از طریق ایجاد نظم معنوی و تقویت پیوندهای اجتماعی و بازسازی هویت غیرمجرمانه، به کاهش نرخ بازگشت به جرم و بازپروری موفق بزهکاران کمک می‌کند. برخلاف القائات سوء رسانه‌ای، برنامه‌های دینی مناسب نه‌تنها از افراط‌گرایی جلوگیری می‌کنند، بلکه با ارائه تفاسیر معتدل و امیدبخش، به تحول درونی زندانیان و آماده‌سازی آن‌ها برای بازگشت به جامعه یاری می‌رسانند. بر این مبنا این مطالعه بر ضرورت توسعه برنامه‌های دینی فراگیر و روادارانه در ایران تأکید دارد که شامل گسترش برنامه‌های دینی مبتنی بر آیات امیدبخش قرآنی، تقویت نقش زندانیان مذهبی به‌عنوان الگوهای مثبت و توسعه شبکه‌های حمایتی پس از آزادی و... است.

واژگان کلیدی: حبس، بزهکاری، اسلام‌گرایی، جست‌وجوی معنا، توبه، افراط‌گرایی.

مقدمه

مطالعات گسترده‌ای که در دهه‌های اخیر درزمینهٔ رشد و تغییرات جمعیتی ادیان انجام شده است، نشان می‌دهد که اسلام به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ادیان جهان، با سرعتی بی‌سابقه در حال گسترش است. این رشد تنها به دلیل نرخ بالای جمعیت در میان مسلمانان نیست، بلکه جذب پیروان جدید از ادیان دیگر نیز در آن نقش مهمی دارد. مرکز تحقیقاتی پیو، به‌عنوان یکی از معتبرترین منابع در این زمینه، در یک گزارش جامع پیش‌بینی کرده است که در میان ادیان مختلف، بیشترین گرایش به اسلام است (Hackett et al, 2015). گرایش به اسلام در میان بزهکاران پیشین و به‌ویژه زندانیان نیز نمود بالایی داشته است، به‌گونه‌ای که توجه عمیق پژوهشگران و جرم‌شناسان و سیاست‌گذاران نظام عدالت کیفری را به خود جلب کرده است (Hamm, 2009). علاوه‌بر تغییر دین به اسلام در محیط زندان، شخصیت زندانیان از پیش مسلمان نیز مذهبی‌تر شده است (Dammer, 2002).

این موضوع قطع‌نظر از ظرفیت‌های اسلام برای جذب افراد، نشان می‌دهد شرایط خاص بزهکاران، گذشتهٔ آن‌ها و محیط زندان نقش تعیین‌کننده‌ای در گرایش به اسلام ایفا می‌نمایند. برخلاف کلیشه‌های رایج که گرایش به اسلام در زندان‌ها را با انگیزه‌های منفی، مانند کسب مزایای مادی مرتبط می‌سازند، فرضیه مقدماتی پژوهش حاضر آن است که این پدیده زوایای پیچیده‌تری دارد و به نظر می‌رسد طلب و نیازهای عمیق روانی زندانیان نقش اصلی را در این میان ایفا می‌نماید. همچنین برخلاف القائات «اسلام‌هراسی» رسانه‌های غربی که کارکرد و نتیجه گرایش زندانیان به اسلام را افراط‌گرایی و تروریسم معرفی می‌نمایند. مسلمان یا مسلمان‌تر شدن زندانیان با تأثیرات عمیق بر سبک زندگی آن‌ها پس از آزادی از زندان می‌تواند نتایج مثبتی برای فرد و جامعه داشته باشد.

در دهه‌های اخیر، موضوع دین و معنویت در زندان به یکی از حوزه‌های مهم پژوهش در مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی زندان تبدیل شده است. در میان این مطالعات، توجه ویژه‌ای به حضور و گسترش اسلام در زندان‌های کشورهای غربی شده است. افزایش جمعیت مسلمانان در زندان‌ها و نیز گرایش برخی زندانیان به اسلام باعث شده است که پژوهشگران به بررسی ابعاد اجتماعی، هویتی و اصلاحی این پدیده

بپردازند. یکی از نخستین مطالعات نظام‌مند در این زمینه توسط هامفری (Humphrey, 1998) انجام شد که به بررسی تجربه مسلمانان در زندان‌های بریتانیا پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اسلام برای بسیاری از زندانیان مسلمان نه‌تنها یک نظام اعتقادی، بلکه منبعی برای نظم شخصی، حمایت اجتماعی و حفظ کرامت فردی در شرایط زندان محسوب می‌شود. این مطالعه همچنین نشان داد که اجتماعات مذهبی در زندان‌ها می‌توانند شبکه‌های حمایتی مهمی برای زندانیان ایجاد کنند. خسروخاور، بکفورد و جولی (Khosrokhavar & Beckford, Joly: 2005) در مطالعه‌ای گسترده درباره حضور دین در زندان‌های اروپایی، نقش اسلام را در تجربه روزمره زندانیان بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که برای بسیاری از زندانیان مسلمان، فعالیت‌های دینی مانند نماز جماعت، جلسات آموزشی و تعامل با روحانیون زندان به ایجاد احساس تعلق، نظم رفتاری و انسجام اجتماعی کمک می‌کند.

این پژوهش همچنین نشان داد که اسلام در محیط زندان اغلب به‌عنوان چارچوبی اخلاقی برای بازاندیشی درباره گذشته و تلاش برای تغییر رفتار در آینده عمل می‌کند. پژوهش‌های بعدی به‌طور خاص به مسئله گرایش زندانیان غیرمسلمان به اسلام نیز پرداخته‌اند. اسپالک و لمب (Lambert & Spalek, 2008). در مطالعه‌ای درباره تغییر دین در زندان‌های بریتانیا نشان دادند که برخی زندانیان از طریق تعامل با زندانیان مسلمان یا شرکت در فعالیت‌های مذهبی با اسلام آشنا می‌شوند و در برخی موارد به آن گرایش پیدا می‌کنند. این پژوهش نشان داد که برای بخشی از این افراد، پذیرش اسلام با جستجوی معنا، نیاز به نظم اخلاقی و تلاش برای بازسازی هویت شخصی مرتبط است. در مطالعات مربوط به زندان‌های فرانسه نیز توجه قابل توجهی به حضور اسلام شده است. خسروخاور (Khosrokhavar, 2014) در پژوهش میدانی خود درباره زندان‌های فرانسه نشان داد که دین برای بسیاری از زندانیان مسلمان نقش مهمی در ایجاد انضباط فردی، کنترل رفتار و ایجاد امید به آینده ایفا می‌کند. او همچنین نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، گرایش دینی زندانیان، بیشتر با جستجوی معنا و توبه مرتبط است تا با گرایش‌های افراطی.

در سال‌های اخیر برخی مطالعات نیز به بررسی تجربه زیسته زندانیان مسلمان در زندان‌های اروپایی پرداخته‌اند. برای مثال، آئِبن (Aben, 2020) در پژوهشی درباره تجربه دینی زندانیان مسلمان در هلند نشان

داد که مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و ارتباط با امامان زندان برای بسیاری از زندانیان به ایجاد احساس معنا، آرامش روانی و انسجام اجتماعی کمک می‌کند. این مطالعه همچنین نشان داد که برای برخی زندانیان، دین به ابزاری برای مدیریت فشارهای روانی و سازگاری با شرایط دشوار زندان تبدیل می‌شود. در کنار این مطالعات متمرکز بر اسلام، پژوهش‌های عمومی‌تری نیز درباره نقش دین در زندان انجام شده است. برای مثال، جانسون و لارسون (Larson & Johnson, 2003) در بررسی برنامه‌های دینی در زندان‌های ایالات‌متحده نشان دادند که مشارکت زندانیان در فعالیت‌های مذهبی می‌تواند با کاهش رفتارهای انضباطی و افزایش سازگاری اجتماعی همراه باشد. همچنین اوکانر و پرکلی (Perreyclear & O'Connor, 2002) در مطالعه‌ای درباره برنامه‌های مبتنی بر ایمان در زندان‌ها نشان دادند که این برنامه‌ها می‌توانند به تقویت مسئولیت‌پذیری فردی، بهبود روابط اجتماعی و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز کمک کنند.

در این راستا، مطالعه حاضر به بررسی میزان شیوع پدیده اسلام‌گرایی در زندان، علل آن و نقش آن در فرآیند بازپروری می‌پردازد. هدف این تحقیق پاسخ به سه پرسش کلیدی است؛ به‌عنوان یک موضوع مقدماتی لازم است مشخص شود، میزان شیوع گرایش به ارزش‌های اسلامی در میان بزهکاران چقدر است؟ سپس در مقام تحلیل علت‌شناختی موضوع باید دریافت چه عواملی به این گرایش منجر می‌شود؟ و نهایتاً درک این موضوع که چگونه این ارزش‌ها می‌توانند به بازپروری بزهکاران کمک کنند؟ بسیار کاربردی و راهگشا خواهد بود. این مطالعه درصدد است نه فقط به فهم بهتر نقش دین در بازپروری بزهکاران کمک کند، بلکه با رد سوءبرداشت‌های موجود، به شناسایی راهکارهایی برای تقویت برنامه‌های دینی در زندان‌ها و کاربست آن‌ها در ایران بپردازد.

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده‌های کیفی انجام شده است. تحلیل ثانویه روشی شناخته‌شده در علوم اجتماعی است که در آن داده‌های تجربی گردآوری شده توسط پژوهشگران دیگر با هدف پاسخ به پرسش‌های پژوهشی جدید یا تفسیر مجدد در چارچوب نظری متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد (Heaton, 2004). انتخاب روش تحلیل ثانویه در این پژوهش علاوه‌بر کیفیت بالای داده‌های پژوهش اصلی، به محدودیت‌های عملی پژوهش میدانی در زندان‌های خارجی نیز مرتبط بوده است. در چنین

شرایطی، استفاده از داده‌های میدانی موجود که با روش‌های علمی معتبر گردآوری شده‌اند، می‌تواند امکان تحلیل نظری و تفسیری جدید را فراهم کند. در عین حال، باید اذعان داشت که استفاده از تحلیل ثانویه داده‌ها دارای محدودیت‌هایی نیز هست. ازجمله اینکه پژوهشگر به داده‌های خام کامل مصاحبه‌ها دسترسی مستقیم ندارد و تحلیل بر پایه داده‌های منتشرشده در اثر اصلی انجام می‌شود. بااین‌حال، گستردگی داده‌های میدانی پژوهش اصلی، تنوع مصاحبه‌شوندگان و شفافیت روش‌شناختی آن پژوهش تا حد زیادی این محدودیت را جبران می‌کند و امکان انجام تحلیل تفسیری معتبر را فراهم می‌سازد.

در این مطالعه، داده‌های تجربی از کتاب (Wilkinson et al, 2024) Islam in Prison: Finding Faith, Freedom and Fraternity استخراج شده است. داده‌های این اثر، حاصل یک پژوهش میدانی گسترده در زندان‌های سه کشور اروپایی یعنی انگلستان و فرانسه و سوئیس است که بر پایه مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهدات میدانی و گفتگو با زندانیان و کارکنان زندان انجام شده است. در مجموع، داده‌های اولیه پژوهش اصلی شامل مصاحبه با ۲۷۹ زندانی مسلمان و ۷۹ نفر از کارکنان زندان (ازجمله مسئولان زندان و روحانیون) بوده است. برای پژوهش حاضر، ابتدا متن کامل کتاب به‌طور نظام‌مند بازخوانی شد و بخش‌هایی که شامل روایت‌های مستقیم زندانیان، توصیف تجربه‌های دینی، نقش روحانیون و فعالیت‌های جمعی مذهبی بود، شناسایی و استخراج گردید. معیار انتخاب داده‌ها در این مرحله در درجه اول روایت‌های مستقیم زندانیان درباره تجربه دینی خود در زندان و در مرتبه بعد توصیف مشاهدات نویسنده از فعالیت‌های دینی مانند نماز جماعت، کلاس‌های قرآنی یا تعامل با روحانیون و روایت‌های منقول از کارکنان زندان بود.

فرآیند تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمونی انجام شد. در مرحله نخست، متن‌های انتخاب‌شده چندین بار به‌صورت دقیق مطالعه شد تا درک اولیه‌ای از محتوای داده‌ها حاصل شود. در مرحله دوم، کدگذاری اولیه به‌صورت دستی انجام شد. در این مرحله، عبارات یا جملاتی که به تجربه دینی، تغییر هویت، آرامش روانی، روابط اجتماعی یا نقش ساختارهای زندان اشاره داشتند با کدهای مفهومی مشخص علامت‌گذاری شدند. کدگذاری توسط پژوهشگر مسئول این مقاله انجام شد و برای افزایش دقت تحلیلی،

فرآیند کدگذاری در چند مرحله بازبینی و اصلاح گردید.

در مجموع ۱۸ کد اولیه از داده‌ها استخراج شد. نمونه‌هایی از این کدها شامل «جست‌وجوی معنای زندگی»، «تمایل به آشنایی با اسلام»، «رواج اسلام‌گرایی»، «ایجاد نظم روزانه از طریق نماز»، «احساس آرامش روانی»، «بازنگری در گذشته و توبه»، «حمایت اجتماعی در جماعت دینی»، «نقش روحانیون در هدایت زندانیان» و «تأثیر سیاست‌های زندان بر فعالیت دینی» بود. در مرحله سوم، کدهای اولیه با یکدیگر مقایسه و بر اساس شباهت مفهومی دسته‌بندی شدند. در این مرحله، کدهایی که به ابعاد مشابهی از تجربه زندانیان اشاره داشتند در قالب مقوله‌های تحلیلی گسترده‌تر ادغام شدند. به‌عنوان مثال، کدهایی مانند «آرامش روانی»، «کاهش اضطراب» و «تمرکز ذهنی در نماز» در مقوله «عوامل روان‌شناختی» قرار گرفتند. همچنین کدهایی مانند «نماز جماعت»، «دوستی‌های دینی» و «حمایت متقابل زندانیان» در مقوله «عوامل اجتماعی» دسته‌بندی شدند. در مرحله نهایی، این مقوله‌ها در قالب مضامین اصلی پژوهش سازمان‌دهی شدند که شامل پنج مضمون کلی بود: ۱. عوامل روانی مؤثر بر گرایش اسلامی؛ ۲. عوامل اجتماعی مؤثر گرایش اسلامی؛ ۳. عوامل محیطی و نهادی مؤثر بر گرایش اسلامی؛ ۴. نقش ارزش‌های اسلامی در فرآیند بازپروری و ۵. چالش‌ها و سوءبرداشت‌ها درباره اسلام‌گرایی در زندان.

برای افزایش شفافیت تحلیلی، نمونه‌ای از فرآیند تبدیل داده خام به کد و مضمون در این پژوهش به‌صورت زیر قابل توضیح است. در یکی از روایت‌های زندانیان آمده است که «از وقتی که در زندان هستم، اگر یک نماز [نماز واجب] را از دست بدهم یا دیر شود، دیوانه می‌شوم» (Wilkinson et al, 2022: 77). این گزاره در مرحله کدگذاری اولیه با کدهای «آرامش روانی» و «ایجاد نظم در زندگی» مرتبط شد. در مرحله بعد، این کدها همراه با کدهای مشابه در مقوله «عوامل روانی مؤثر بر گرایش دینی» قرار گرفتند.

۱. چارچوب نظری

جهت درک گرایش به ارزش‌های اسلامی در میان بزهکاران، چارچوبی نظری که هم ریشه‌های دینی این گرایش را تبیین کند و هم ارتباط آن را با مفاهیم جرم‌شناختی روشن سازد، ضروری است. بر این مبنا در این بخش ابتدا نظریه‌های جرم‌شناختی مرتبط با نقش دین معرفی و سپس ارزش‌ها و نهادهایی اسلامی مرتبط با

اصلاح رفتار شناسایی و تبیین می‌شود و درنهایت نقش محیط زندان به‌عنوان بستری برای گرایش به ارزش‌های اسلامی موضوع بحث خواهد بود.

۱-۱. نظریه‌های جرم‌شناختی ارتباط دین با اصلاح رفتار

درک گرایش بزهکاران به ارزش‌های اسلامی در فرایند اصلاح، نیازمند چارچوب نظری جرم‌شناختی است که ارتباط دین با مفاهیم اصلاح را تبیین نماید. از این منظر، کاربست چندین نظریه کلیدی یعنی «نظریه هویت اجتماعی»، «نظریه کنترل اجتماعی»، «نظریه یادگیری اجتماعی» و «نظریه انتخاب عقلانی» مفید فایده است. نظریه هویت اجتماعی[1] بیان می‌کند که افراد هویت خود را از گروه‌هایی که به آن‌ها تعلق دارند، مانند جامعه دینی، به دست می‌آورند (Tajfel & Turner, 1979). در محیط زندان، پیوستن به گروه‌های دینی به زندانیان امکان می‌دهد هویتی مثبت به‌عنوان «مسلمان» جایگزین هویت مجرمانه خود کنند و از طریق مشارکت در فعالیت‌های دینی، هویت اجتماعی جدیدی بسازند که رفتارهای مثبتی چون همکاری را تقویت می‌کند. این فرآیند به‌ویژه برای زندانیانی که احساس انزوای اجتماعی یا طردشدگی داشته‌اند، اهمیت دارد.

نظریه کنترل اجتماعی[2] این پدیده را از زاویه دیگری بررسی می‌کند. این نظریه بیان می‌دارد که پیوندهای اجتماعی قوی، ازجمله ارتباط با گروه‌های دینی، افراد را از انزوا و رفتارهای انحرافی بازمی‌دارد (Hirschi, 1969: 90). در زندان‌ها، حس برادری که از طریق فعالیت‌های اسلامی مانند نماز جماعت یا جلسات آموزش قرآن کریم ایجاد می‌شود، به‌عنوان یک سازوکار کنترل اجتماعی عمل کرده و رفتارهای ضداجتماعی را کاهش می‌دهد. علاوه‌بر این، نظریه یادگیری اجتماعی[3] توضیح می‌دهد که رفتارها از طریق تعاملات اجتماعی، الگوبرداری و تقویت آموخته می‌شوند (Eleanor, 2020). در محیط زندان، زندانیان می‌توانند از طریق ارتباط با افراد متدین، ارزش‌ها و رفتارهای مثبت را یاد بگیرند و با دریافت تقویت مثبت از جامعه

1 . Social Identity Theory
2. Social Control Theory
3. Social Learning Theory

مذهبی، رفتارهای پرخاشگرانه و مجرمانه خود را کاهش دهند. درنهایت، می‌توان از نظریه انتخاب عقلانی[1] برای تحلیل این موضوع بهره برد. بر اساس این نظریه، افراد پیش از ارتکاب جرم، مزایا و معایب آن را می‌سنجند. گرایش به ارزش‌های اسلامی این معادله را تغییر می‌دهد، چراکه با تقویت باور به پاداش‌های معنوی برای اعمال نیک و مجازات‌های الهی برای اعمال مجرمانه، هزینه ارتکاب جرم را به صورت درونی افزایش داده و مزایای رفتارهای مثبت را برجسته می‌کند (Nemeth, 2017). به‌عنوان رهیافتی مشترکی این تحلیل‌های نظری نشان می‌دهند که چگونه دین، نه‌تنها از طریق فراهم کردن یک هویت جدید و تقویت پیوندهای اجتماعی، بلکه از طریق تغییر در فرآیندهای یادگیری و تصمیم‌گیری فرد، به بازتوانی زندانیان کمک می‌کند.

۱-۲. ظرفیت نهادها و ارزش‌های اسلامی در اصلاح رفتار و بازپذیری بزهکار

اسلام به‌عنوان یک نظام دینی جامع، از نهادها و ارزش‌هایی برخوردار است که می‌توانند به تحول درونی افراد در سطح بازپروری بزهکاران کمک کنند. یکی از کلیدی‌ترین این نهادها، نهاد «توبه و انابه» است که در آیات متعددی از قرآن کریم به‌عنوان راهی برای بازگشت به سوی خدا، خودکنترلی[2] و اصلاح رفتار معرفی شده است. «توبه» و «اِنابه» هر دو گونه‌ای بازگشت به خدا هستند، اما با انگیزه‌هایی متفاوت بدین معنا که «توبه»، بازگشت از گناه با انگیزهٔ ترس از عقاب، خشم الهی یا عاقبتِ اعمال است. توبه‌کننده با چشم بر خطاهای خویش و بیم از آینده، به خدا پناه می‌آورد. «إنابه»، اما مرتبه‌ای فراتر است. بازگشتی آگاهانه و از سر محبت، شرم و شناخت است.

«منیب» کسی است که نه از ترس کیفر، بلکه از روی حیا در برابر عظمت، مهربانی و اقتدار پروردگار بازمی‌گردد. او گناه را نه فقط چون موجب عذاب است، بلکه چون ناسپاسی نسبت به فضل و نعمت

---

1. Rational Choice Theory

۲. توان مقاومت در برابر کشش‌ها و جاذبه‌های جرائم با اصطلاح خودکنترلی به‌عنوان عامل تغییردهندهٔ نرخ جرم در نظریهٔ عمومی جرم معرفی شده است. نسخهٔ اسلامیِ اندیشهٔ مذکور در منابع متعددی ازجمله در کتاب «محجّه البیضا» با عباراتی نظیر ورع، مراقبه و تقوی متبلور گشته است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله ارزشمند ذیل رجوع کنید:

حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و یاسینی‌نسب، مجتبی (۱۴۰۱). مقایسهٔ خودکنترلی از منظر هیرشی و فیض کاشانی با تأکید بر محجّه البیضا. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۹(۴).

پروردگار است، رها می‌کند. همچنین گفته شده است انابه یعنی رجوع به خدا و اقبال به او با سِرّ و قول و فعل تا اینکه شخص دائماً در فکر خدا و ذکر او و اطاعتش باشد؛ بنابراین انابه غایت درجات توبه و برترین مراتب آن است، زیرا توبه، بازگشت از گناه است؛ ولی انابه افزون بر آن بازگشت از مباحات نیز هست و آن از مقامات والاست.[۱] در قرآن کریم، پاداش و آثار متعددی برای توبه و انابه ذکر شده است یکی از بالاترین پاداش‌ها، محبت خداوند نسبت به بندگان توبه‌کار است.[۲] همچنین برای «انابه‌کنندگان»، پاداش ویژه‌ای به نام هدایت الهی ذکر شده است.[۳]

این هدایت شامل بینش معنوی و بصیرت در مسیر بندگی می‌شود. قرآن کریم همچنین به توبه‌کنندگان وعده رستگاری و بخشش گناهان می‌دهد.[٤] اما یکی از امیدبخش‌ترین آثار توبه تبدیل گناهان به حسنات یکی از بزرگ‌ترین وعده‌های الهی و دارای اهمیت ویژه است، زیرا نه‌تنها گناهان را می‌بخشد، بلکه آن‌ها را به اعمال نیک تبدیل می‌کند. در سوره فرقان آیه ۷۰، به این پاداش بزرگ اشاره شده است: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِکَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل شایسته انجام دهد که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است».

این وعده به روشنی بیانگر عمق رحمت و مغفرت الهی است که به بزهکاران فرصت دوباره‌ای برای بازسازی کامل زندگی خود می‌دهد. بنابراین غیر قابل انکار است که این نهاده‌ای اسلامی، بر ظرفیت بازسازی هویت و انگیزه‌بخشی به بزهکاران برای تغییر رفتار تمرکز دارند. در حقیقت توبه و انابه به زندانیان امکان می‌دهد گذشته مجرمانه خود را پشت سر بگذارند و هویت جدیدی به‌عنوان افراد اصلاح‌شده بسازند. در

---

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: نراقی، محمدمهدی؛ جامع السعادات، تصحیح سید محمد کلانتر، جامعة النجف الدینیه، نجف اشرف، ۱۳۸۳ق، چاپ سوم، ج ۳، ص ۸۸.

۲. در سوره بقره، آیه ۲۲۲ آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ «همانا خداوند توبه‌کنندگان و پاکان را دوست می‌دارد.»

۳. در سوره شوری، آیه ۱۳ آمده است: «...يَهْدِی إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ»؛ «...هر کس را که به سوی او بازگردد، هدایت می‌کند».

٤. در سوره تحریم، آیه ۸، از مؤمنان خواسته شده است که توبه‌ای خالصانه داشته باشند تا خداوند گناهانشان را ببخشد و آنان را به باغ‌هایی از بهشت وارد کند که نهرها از زیر درختانش جاری است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَار»

مقام قیاس، این نهادها کارکردی مشابه به نهاد شرمسارسازی بازپذیرنده در رویکرد عدالت ترمیمی دارند که از رهگذر انقلاب درونی شخص به اصلاح وی نائل می‌شود (Braithwaite, 1989). قطع نظر از نهاد توبه و انابه، فعالیت‌های عبادی در اسلام، ازجمله نماز و روزه، نقشی حیاتی در بازتوانی و شکل‌گیری نظم معنوی زندانیان ایفا می‌کنند و به‌عنوان ابزارهای روان‌شناختی قدرتمندی عمل می‌نمایند. این نظم معنوی به زندانیان کمک می‌کند تا با چالش‌های روانی محیط زندان مقابله کنند. نماز به‌عنوان یک روال ثابت، حس نظم و کنترل را در محیط بی‌ثبات زندان تقویت کرده و به کاهش رفتارهای پرخاشگرانه و نقض قوانین کمک می‌کند (Dammer, 2002). تحقیقی در اروپا نشان داده است که اسلام به دلیل ساختار منسجم و تأکید بر نظم و انضباط، برای بسیاری از زندانیان جذاب است (Beckford et al, 2005). همچنین، این اعمال به زندانیان فرصت می‌دهد تا با احساسات منفی مانند اضطراب و افسردگی مقابله کنند.

روزه ماه رمضان نیز به‌عنوان تمرینی برای خویشتن‌داری، اراده را تقویت کرده و به زندانیان در غلبه بر رفتارهای تکانشی و مخرب یاری می‌رساند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعالیم دینی فضیلت‌هایی مانند خویشتن‌داری و بخشش را ترویج داده و به زندانیان کمک می‌کند تا معنا و هدف جدیدی در زندگی خود پیدا کنند (Jang & Johnson, 2021). علاوه‌بر این، مشارکت در نماز جماعت و فعالیت‌های گروهی، احساس تعلق به جامعه را در زندانیان تقویت کرده و آن‌ها را از انزوا خارج می‌سازد. یک تحقیق کیفی در بلژیک نشان می‌دهد که اعمالی مانند نماز و تلاوت قرآن، احساس آرامش، هدفمندی و تاب‌آوری را افزایش داده و مفهوم «صبر» را در آن‌ها درونی می‌سازد که عاملی حیاتی برای تحمل شرایط زندان است (Woodbridge et al, 2024). این فرایند درنهایت به بازسازی شخصیت و آمادگی برای بازگشت موفق به جامعه کمک می‌کند.

همچنین حس برادری که از طریق مشارکت در فعالیت‌های جمعی مانند نماز جماعت یا مراسم‌های سحری و افطاری رمضان و اعیاد اسلامی تقویت می‌شود، به زندانیان احساس تعلق و حمایت اجتماعی می‌دهد. این ارزش‌ها در فقه اسلامی جایگاه والایی دارد و همسو با رویکرد عدالت ترمیمی بر اصلاح رفتار، جبران خسارت و بازگشت فرد به جامعه تأکید دارد، برخلاف نظام‌های مجازات‌محور غربی که بیشتر بر تنبیه

تمرکز دارند (El-Awa, 1982: 45). برای مثال، در فقه اسلامی، امکان بخشش یا توبه در مجازات‌هایی مانند قصاص وجود دارد که این امر به بازسازی رابطه بین بزهکار و جامعه کمک می‌کند و نکته جالب توجه آنکه خداوند متعال در قرآن کریم از قاتل به‌عنوان برادر اولیای دم یاد می‌کند و ضمن تفویض حق قصاص به ایشان توصیه به بخشش برادر قاتل می‌کند.[۱]

۱-۳. نقش محیط زندان در گرایش به اسلام

زندان‌ها به دلیل ویژگی‌های خاص خود، ازجمله محدودیت‌های فیزیکی و فشارهای روانی شدید، فضایی منحصربه‌فرد برای تحولات معنوی و اخلاقی فراهم می‌کنند که می‌تواند زندانیان را به سوی بازسازی هویت و جستجوی معنا در زندگی هدایت کند. ساختار فیزیکی زندان، شامل سلول‌های تنگ، برنامه‌های روزانه سخت‌گیرانه و نظارت مداوم، همراه با انزوای اجباری و قطع ارتباط با دنیای بیرون، شرایطی را ایجاد می‌کند که احساس طردشدگی و گناه و نیاز به بازتعریف هویت را در زندانیان تشدید می‌کند (Liebling, 2012). این انزوا با حذف حواس‌پرتی‌های بیرونی مانند سرگرمی‌ها و تعاملات روزمره، فضایی برای تأمل عمیق در زندگی گذشته و انتخاب‌های پیشین فراهم می‌آورد و زندانیان را به بازنگری در ارزش‌ها و اهدافشان ترغیب می‌کند (Hassan & Al-Hajjar, 2023). فشارهای روانی ناشی از محیط زندان، مانند اضطراب مرتبط با عدم قطعیت آینده، افسردگی ناشی از جدایی از خانواده و دوستان و فقدان حمایت‌های اجتماعی نقش مهمی در گرایش زندانیان به تحولات معنوی ایفا می‌کنند (Sykes, 1958).

این فشارها اغلب زندانیان را به سمت فعالیت‌هایی سوق می‌دهند که بتوانند استرس را کاهش داده و

---

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۷۸﴾

ای اهل ایمان! در مورد کشته شدگان بر شما قصاص مقرّر و لازم شده: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن. پس کسی که [مرتکب قتل شده چنانچه] از سوی برادر [دینی] اش [که ولیِّ مقتول است] مورد چیزی از عفو قرار گرفت [که به جای قصاص، دیه و خون‌بها پرداخت شود] پس پیروی از روش شایسته و پسندیده [نسبت به وضع مادی قاتل بر عهده عفو کننده است] و پرداخت دیه و خون‌بها با نیکویی و خوش‌رویی [بر عهده قاتل است]. این [حکم] تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان؛ پس هر که بعد از عفو، تجاوز کند [و به قصاص قاتل برخیزد] برای او عذابی دردناک است.

حس کنترل بر زندگی را بازگردانند. برای مثال، برنامه‌های ساختارمند، مانند کارگاه‌های آموزشی، جلسات مشاوره گروهی یا فعالیت‌های دینی در برخی زندان‌ها، به زندانیان کمک می‌کند تا با احساسات منفی مقابله کرده و هویتی مثبت‌تر و هدفمندتر بنا کنند. این برنامه‌ها با ایجاد نظم روزانه و ارائه فرصت‌هایی برای تعاملات معنادار، اثرات مخرب انزوای زندان را کاهش می‌دهند (Woodbridge et al, 2024). تعاملات اجتماعی در محیط زندان، به‌ویژه با همبندی‌ها و کارکنان، نیز به‌عنوان بخشی از ساختار اجتماعی زندان، در تسهیل تحولات معنوی و اخلاقی نقش دارند. اگرچه زندان‌ها اغلب به دلیل انزوای اجتماعی مورد انتقاد قرار می‌گیرند، اما فعالیت‌های گروهی مانند جلسات مذهبی یا برنامه‌های آموزشی می‌توانند حس تعلق و حمایت را تقویت کنند. این تعاملات به زندانیان امکان می‌دهد تا از طریق ارتباط با دیگران، هویت‌های جدیدی را کشف کرده و از رفتارهای ضداجتماعی فاصله بگیرند (Wacquant, 2002). برای نمونه، گروه‌های حمایتی در زندان می‌توانند فضایی امن برای بحث درباره ارزش‌ها و اهداف زندگی فراهم کنند که به کاهش احساس طردشدگی و تقویت انسجام اجتماعی منجر می‌شود. همچنین شرایط خاص زندان، مانند نبود حریم خصوصی و فقدان محدودیت‌های ارتباطی، اگرچه چالش‌برانگیز هستند، می‌توانند به‌عنوان محرکی برای تأمل درونی عمل کنند.

فقدان دسترسی به منابع اجتماعی و محرومیت از آزادی حرکت، زندانیان را در موقعیتی قرار می‌دهد که ناچار به مواجهه با خود و گذشته‌شان شوند. این فرآیند می‌تواند به بازسازی هویت و پذیرش ارزش‌های اخلاقی جدید منجر شود، به‌ویژه زمانی که زندانیان به فعالیت‌هایی روی می‌آورند که به آن‌ها کمک می‌کند تا معنای جدیدی برای زندگی خود بیابند (Liebling, 2012). در مجموع، ساختار و شرایط محیط زندان با ایجاد فشارهای روانی و انزوای اجتماعی، بستری را برای تأمل عمیق و جستجوی معنا فراهم می‌کند که می‌تواند به تحولات معنوی و اخلاقی و درنهایت بازپروری زندانیان کمک کند.

۲. یافته‌ها

داده‌ها نشان می‌دهند که گرایش به ارزش‌های اسلامی در زندان‌ها، شیوع قابل‌توجهی دارد و به گروه‌های مختلفی از بزهکاران، گسترش یافته است. بسیاری از داده‌ها حاکی از آن است که گرایش به ارزش‌های

اسلامی در زندان‌ها فراتر از پیشینه دینی بزهکاران رخ می‌دهد. مشخصاً ۲۷ درصد از زندانیان مورد بررسی در انگلستان گزارش دادند که پس از ورود به زندان به اسلام گرویده‌اند (Wilkinson et al, 2022: 152). به‌طورکلی برآوردهای رسمی در این کشور نیز نشان می‌دهد که تا ۳۰ درصد از زندانیان مسلمان، افرادی هستند که تازه مسلمان شده‌اند (UK Gov, 2016). در عین حال، شدت و شکل این گرایش در کشورهای مختلف متفاوت است.

در فرانسه، اسلام غالباً با هویت قومی و مهاجرتی پیوند دارد و هم‌زمان تحت تأثیر سیاست‌های سکولار مبتنی بر اصل «laïcité» قرار می‌گیرد. در سوئیس برخی از موارد گرایش دینی بیشتر با تجربه انزوا و جستجوی معنا در شرایط زندان مرتبط گزارش شده است. در مقابل، در انگلستان وجود ساختارهای رسمی روحانی‌گری اسلامی در زندان‌ها فرصت‌های بیشتری برای فعالیت‌های دینی فراهم کرده است (Wilkinson et al, 2022: 179-181). این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که شرایط نهادی و سیاست‌های زندان می‌توانند بر نحوه بروز و تجربه دینی در محیط زندان تأثیرگذار باشند.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که گرایش به اسلام در میان برخی زندانیان، پدیده‌ای چندبُعدی است که در تعامل میان عوامل روانی، اجتماعی و نهادی شکل می‌گیرد. این یافته‌ها در سه محور اصلی ارائه می‌شود: ۱. عوامل مؤثر بر این گرایش؛ ۲. تأثیر ارزش‌های اسلامی در فرآیند بازپروری؛ ۳. چالش‌ها و سوءبرداشت‌های مرتبط با حضور اسلام در زندان‌ها.

۲-۱. عوامل مؤثر بر گرایش به ارزش‌های اسلامی

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که گرایش به ارزش‌های اسلامی در میان زندانیان تنها ناشی از یک عامل واحد نیست، بلکه در تعامل میان عوامل روانی، اجتماعی و محیطی شکل می‌گیرد که بعضاً در هم تنیدگی این عوامل تأثیر تصاعدی بر گرایش به اسلام در محیط زندان داشته است.

۲-۱-۱. عوامل روانی: جستجوی معنا و بازسازی هویت

تجربه زندان اغلب با احساساتی مانند اضطراب، ناامیدی، احساس گناه و بحران هویت همراه است. در چنین شرایطی، اسلام برای برخی زندانیان به منبعی برای معنا، آرامش و بازاندیشی در زندگی تبدیل می‌شود. در

روایت‌های ارائه‌شده از زندانیان، مفاهیمی مانند توبه و بخشش الهی نقش مهمی در گرایش به ارزش‌های اسلامی ایفا می‌کند. برای نمونه، در روایت یکی از زندانیان به نام «عمر»، تجربه بازگشت به نماز و توبه به‌عنوان نقطه‌ای تعیین‌کننده در تغییر نگاه او به زندگی توصیف شده است (Wilkinson et al, 2022: 77). وی بیان نموده است از وقتی در زندان هستم اگر یک نماز را از دست بدهم یا دیر شود، دیوانه می‌شوم» (Wilkinson et al, 2022: 78). چنین تجربه‌ای و تجربه‌های مشابه که در روایت‌های مختلفی از زندانیان نقل شده است نشان می‌دهد که حیات دینی می‌توانند چارچوبی برای بازنگری در گذشته و تعریف مسیر جدیدی برای آینده فراهم کنند.

تجربه ارتباط با خدا از طریق نماز و دعا برای بسیاری از زندانیان با احساس آرامش و تعادل درونی همراه بوده است؛ به‌طوری که در داده‌های مصاحبه‌ای کتاب، ارتباط میان نماز و «بازیابی تعادل و آرامش و صلح درونی» ۱۲۱ بار ذکر شده است. این یافته نشان می‌دهد که اعمال دینی می‌توانند برای زندانیان نوعی منبع روانی و معنوی برای مقابله با فشارهای زندگی در زندان فراهم کنند. همچین روایت‌های متعددی از زندانیان وجود دارد که انفاق و صدقه را منبعی برای آرامش روانی، ترمیم هویت اخلاقی از گذر دفع کفاره و جبران آسیب‌هایی که به دیگران وارد نموده‌اند، دانسته‌اند (Wilkinson et al, 2022: 81). به این ترتیب می‌توان ابراز داشت نیاز به معنا و معنویت و بازسازی هویت به‌مثابه نیاز عموم زندانیان با گرایش به اسلام به گونه قابل توجهی تأمین می‌شود.

۲-۱-۲. عوامل اجتماعی: جماعت دینی و احساس تعلق

عامل مهم دیگر در گرایش به ارزش‌های اسلامی، نقش ارتباطات اجتماعی و جماعت دینی در زندان است. فعالیت‌هایی مانند نماز جماعت، جلسات قرآنی یا تعامل با دیگر زندانیان مسلمان، می‌تواند نوعی حس تعلق و حمایت اجتماعی ایجاد کند. چنین شبکه‌هایی در برخی موارد به شکل‌گیری روابط مبتنی بر اعتماد و همبستگی کمک می‌کند. به‌عنوان نمونه‌ای جالب توجه شخصی به نام کریس محکوم به حبس به جهت قتل عمد نمونه‌ای از تغییر مذهبی درنتیجه عوامل اجتماعی است. به اذعان خودش هنگامی‌که دوران محکومیت زندان خود را آغاز کرد، خود را معتاد به مواد مخدر و الکل یافت که فقط به دنبال یافتن راهی

برای ارضای تمایلات نفسانی بود. لکن رفته‌رفته در زندان، نوعی تأثیر مثبت از زندانیان مسلمان پیدا کرد: هنگامی‌که او به دلیل جرمش (قتل) از نظر عاطفی پریشان بود، زندانیان مسلمان حامی او بودند و مراقبش بودند. واقعه‌ای که به باور خودش در تحول ایمانی وی بسیار مؤثر بوده، حمایت‌های زندانیان مسلمان در زمان فوت پدرش است.

توضیح آنکه هنگامی‌که کریس در زندان بود، پدرش فوت می‌کند. اگرچه کریس در آن زمان یک مسیحی بود، اما این یک روحانی مسلمان بود که خبر فوت پدرش را به او داد و عمیقاً احساس برادری و همدردی را به او القاء نموده است. درنتیجه، کریس شروع به کاوش در مذهب عمیق‌تر کرد. او قرآن را به زبان انگلیسی می‌خواند و بحث‌های زیادی درباره ایمان با روحانیون مسلمان زندان و زندانیان دیگر داشت (Wilkinson et al, 2022: 153). در زندان، کریس نمازهای یومیه خود را با یک زندانی مسلمان دیگر می‌خواند و به تعبیر خودش یک برادر دیگر به او الفبای عربی را آموزش می‌دهد. تلاش و صبر این برادران مسلمان و تمایل آن‌ها به کمک و حمایت از او در مسیرش، برای کریس الهام‌بخش بوده است (Wilkinson et al, 2022: 155). در روایت زندانی دیگری با نام عبدالرحمن، پذیرش ایمان اسلامی و عضویت در گروه مسلمانان با تغییر در نگرش او نسبت به دیگران و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز همراه بوده است (Wilkinson et al, 2022: 1). این روایت نشان می‌دهد که پیوستن به یک جماعت دینی می‌تواند به بازتعریف نقش اجتماعی فرد و فاصله گرفتن از هویت‌های پیشین مرتبط با خشونت یا جرم کمک کند.

۲-۱-۳. عوامل محیطی و نهادی؛ مناسک، فضاهای دینی و نقش روحانیون

علاوه‌بر عوامل فردی و اجتماعی، شرایط محیطی زندان نیز در شکل‌گیری تجربه دینی زندانیان نقش دارد. در برخی زندان‌ها، فضاهایی برای انجام عبادات ازجمله سالن‌های نماز، وضوخانه‌ها یا امکان دسترسی به اقلامی مانند سجاده و تسبیح فراهم شده است؛ وجود چنین فضاها و امکاناتی می‌تواند امکان مشارکت در فعالیت‌های دینی را تسهیل کند. شواهد کیفی نشان می‌دهد که برای برخی زندانیان، دوره حبس با سپری ساختن اوقات در محیط‌های ایمانی به‌ویژه نمازخانه و کلاس‌های مذهبی زندان نقطه عطفی در تجربه دینی آنان تبدیل می‌شود. در برخی مصاحبه‌ها صریحاً یا تلویحاً آمده است که این محیط‌ها فرصتی برای بازگشت

به عبادت و بازاندیشی در زندگی فراهم می‌کرد.

همچنین حضور روحانیون مسلمان در برخی زندان‌ها نقش مهمی در هدایت فعالیت‌های دینی دارد. برای مثال، در برخی زندان‌های انگلستان روحانیون از طریق برگزاری نماز، جشن‌های اعیاد اسلامی یا جلسات آموزشی به تبیین مفاهیم اخلاقی اسلام و تشویق زندانیان به اصلاح رفتار می‌پردازند (Wilkinson et al, 2022:198-199). یکی از عوامل نهادی که فرصت مهمی را برای روحانیون زندان مسلمان فراهم می‌کرد تا در مورد ارزش‌های اسلامی موعظه کنند، خطبه‌های نماز جماعت جمعه است (Wilkinson et al, 2022: 194).

بنا بر مشاهدات مستقیم نویسندگان، در انگلستان فضاها و امکانات مناسبی برای انجام عبادات و مناسک دینی به‌ویژه نماز جمعه وجود داشته است در مقابل، در کشورهای سوئیس و فرانسه چنین ساختارهایی کمتر توسعه یافته است و دسترسی زندانیان به منابع دینی و روحانی محدودتر گزارش شده است (Wilkinson et al, 2022: 188). بی‌گمان این تفاوت‌ها که سیاست‌ها و امکانات نهادی زندان تا حدود زیادی می‌تواند بر نحوه تجربه دین و دین‌داری در میان زندانیان تأثیرگذار باشد.

۲-۱-۴. تأثیر ارزش‌های اسلامی در فرآیند بازپروری

داده‌ها نشان می‌دهد که تجربه دینی زندانیان در چارچوب ارزش‌ها و اعمال اسلامی می‌تواند با تغییراتی در نگرش‌ها و رفتارهای اخلاقی آنان مرتبط باشد و در برخی موارد در فرآیند بازپروری نقش ایفا کند. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مطرح‌شده در روایت‌های زندانیان، امکان بازنگری در گذشته مجرمانه از طریق مفاهیمی مانند توبه و بخشش الهی است. در این چارچوب، اسلام به زندانیان اجازه می‌دهد گذشته خود را نه به‌عنوان سرنوشتی تغییرناپذیر، بلکه به‌عنوان مرحله‌ای قابل اصلاح در نظر بگیرند. در روایت یکی از زندانیان اشاره شده است که درک مفهوم بخشش الهی این احساس را در او ایجاد کرده که «می‌تواند دوباره شروع کند» وی بیان داشته است: «بله انگار شروعی تازه دارم، اساساً، مثل صفحاتی که هنوز نوشته نشده‌اند و می‌توانم زندگی‌ام را متفاوت از گذشته‌ام بسازم، مثل همان چیزی که در گذشته بودم.» (Wilkinson et al, 2022: 153).

انجام منظم عبادات به‌ویژه نماز، به بخشی از فرآیند توبه و بازسازی هویت اخلاقی تبدیل می‌شود. در مصاحبه‌ای نیز یکی از زندانیان توضیح می‌دهد که پس از گرایش جدی‌تر به دین در زندان، توبه و نماز برای او به امری روزمره تبدیل شده است: «من هر روز توبه می‌کنم...» (Wilkinson et al, 2022: 78). چنین روایت‌هایی نشان می‌دهد که توبه در تجربه زندانیان تنها یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه در قالب اعمال منظم دینی به نوعی تمرین اخلاقی روزمره تبدیل می‌شود که به فرد امکان می‌دهد هویت تازه‌ای برای خود تعریف کند و از هویت مجرمانه فاصله بگیرد.[۱] در این چارچوب، ایمان به رحمت الهی و امکان رستگاری در آخرت نیز به منبعی برای امید تبدیل می‌شود؛ امیدی که حتی در شرایط دشوار زندان نیز می‌تواند انگیزه‌ای برای تغییر فراهم کند. افزون بر این، مشاهدات پژوهشگران در محیط زندان نشان می‌دهد که بسیاری از زندانیان در مواجهه با رنج‌ها و محرومیت‌های زندگی زندان به آموزه‌های قرآنی و الگوی زندگی پیامبر اسلام رجوع می‌کنند تا معنایی برای تجربه خود بیابند و با سختی‌ها کنار بیایند (Wilkinson et al, 2022: 93).

علاوه‌بر این، اصول ایمان برای بسیاری از زندانیان به‌عنوان واقعیت‌هایی که به زندگی زندان و پسا زندان ایشان معنا می‌دهد، تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال، باور به قضا و قدر به‌عنوان یک سازوکار آرام‌بخش برای بسیاری از زندانیان مسلمان عمل می‌نماید. در بسیاری از موارد، زندانیان این احساس یا اعتقاد را بیان نموده‌اند که محکومیت و حکم آن‌ها بخشی از یک سرنوشت الهی بوده است که آن‌ها را از سرنوشتی بدتر، مانند مرگ، نجات داده و به آن‌ها فرصت یافتن اسلام را داده است. در این خصوص بشیر مرد ۳۳ ساله مسلمان‌زاده آسیایی بیان نموده است: «فکر می‌کنم نجات پیدا کرده‌ام، خدا مرا در سختی قرار داده، اما فقط به این دلیل که مرا دوست دارد، این چیزی است که من باور دارم. ... الله مرا نجات می‌دهد، پس شاید قرار بود اتفاق بدی در گوشه و کنار یا در سال‌های آینده بیفتد، شاید در یک سفر هوایی یا ... پس فقط صبر داشته باش و ببین خدا تو را کجا قرار داده است. این چیزی است که باید درباره زندگی درک کنی. زندان را به‌عنوان یک

۱. باید توجه داشت که تجربه دین در زندان میان مردان و زنان یکسان نیست. داده‌ها نشان می‌دهد که برخی زنان زندانی کمتر از مردان تجربه دین را در قالب «توبه از گناه» توصیف می‌کنند و بیشتر خود را در موقعیت قربانی شرایط اجتماعی یا خانوادگی می‌بینند (Wilkinson et al, 2022 : 100) این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر عوامل جنسیتی بر نحوه تجربه و تفسیر دین در محیط زندان است.

مجازات نگیر» (Wilkinson et al, 2022: 71).

نگرش به زندان به‌عنوان بخشی از برنامه خدا به زندانیان کمک می‌کند تا از تمرکز بر شرایط محکومیت خود، ازجمله در بسیاری از موارد احساس خشم و کینه و بی‌عدالتی دست بردارند و به بازنگری زندگی خود در زندان به‌عنوان فرصتی از جانب خدا برای ایجاد تغییرات مثبت شخصی بنگرند. چنین باوری می‌تواند برای زندانیان اهمیت ویژه‌ای داشته باشد، زیرا امکان می‌دهد آنان خود را صرفاً با هویت مجرمانه یا موقعیت اجتماعی پیشین تعریف نکنند، بلکه تغییر رفتار و اصلاح اخلاقی را مبنای ارزیابی آینده خود بدانند.

۲-۳. چالش‌ها و سوءبرداشت‌ها درباره اسلام‌گرایی در زندان

در کنار کارکردهای مثبت گزارش‌شده برای رواج اسلام در زندان، کتاب «Islam in Prison» به مجموعه‌ای از چالش‌ها و سوءبرداشت‌ها نیز اشاره می‌کند که خود بر نحوهٔ مواجهه نهادهای زندان با دین تأثیر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، نگرانی‌های امنیتی درباره امکان سوءاستفاده از فضاهای دینی برای ترویج دیدگاه‌های افراطی است. در فصل‌های مربوط به اسلام‌گرایی و مدیریت زندانیان مسلمان نویسندگان نشان می‌دهند که بخشی از گفتمان امنیتیِ حاکم بر زندان‌ها در اروپا متأثر از ترس از «افراط‌گرایی اسلامی» است و همین امر گاه باعث می‌شود هر نوع دین‌داری فعال یا هویت‌مندی اسلامی، به‌عنوان «ریسک بالقوه» تلقی شود. بااین‌حال، داده‌های تجربی کتاب تصویر بسیار متعادلی ارائه می‌کند؛ به این ترتیب که اکثر قریب به اتفاق برنامه‌های رسمی دینی به‌ویژه در انگلستان، در چارچوب نظام روحانی‌گری دینی و با هدف ترویج قرائت‌های معتدل از اسلام، تأکید بر مسئولیت اخلاقی فرد و تشویق به رعایت مقررات زندان طراحی شده‌اند. در بخش‌های تحلیلی کتاب به این نکته اشاره می‌شود که این برنامه‌ها، به‌ویژه در قالب کلاس‌های آموزشی، جلسات تفسیر و گروه‌های حمایتی دینی، برای بسیاری از زندانیان منبعی برای خودکنترلی و کاهش پرخاشگری و مدیریت خشم بوده‌اند و در برخی زندان‌ها با کاهش درگیری‌ها و خشونت میان زندانیان همراه شده‌اند (Wilkinson et al, 2022: 155). به این ترتیب، داده‌ها تأکید می‌کند که پیوند خودکار میان «فعالیت دینی» و «افراط‌گرایی» نه با داده‌های میدانی و نه با ماهیت برنامه‌های رسمی دینی سازگار نیست؛ بلکه افراط‌گرایی اگر هم رخ دهد، بیشتر به اقلیتی کوچک مربوط است که در عین

محدود بودن، تأثیر نامتناسبی بر تصورات امنیتی برخی کارکنان و سیاست‌گذاران می‌گذارد.

موضوع مهم دیگر، کمبود آگاهی و آموزش بخشی از کارکنان زندان درباره نیازهای دینی و فرهنگی زندانیان مسلمان است. در فصل‌های مربوط به مدیریت زندانیان مسلمان، نویسندگان بر اساس مصاحبه با کارکنان و زندانیان نشان می‌دهند که فقدان درک دقیق از اعمال و باورهای دینی مانند معنای حجاب، ضرورت وضو و طهارت برای لمس قرآن، یا اهمیت نمازهای پنج‌گانه در زمان‌های مشخص می‌تواند به سوءتفاهم و تنش منجر شود. برای نمونه رفتارهایی مانند اصرار زندانی بر وضو گرفتن قبل از لمس قرآن، حساسیت نسبت به نحوهٔ قرار دادن قرآن در سلول یا درخواست برای امکانات مناسب طهارت، از منظر دینی کاملاً قابل فهم و منطقی است. اما در فقدان آموزش کافی، برخی کارکنان ممکن است این حساسیت‌ها را به‌عنوان «بی‌میلی به همکاری»، «رفتار غیرمنطقی» یا حتی «نشانه افراط‌گرایی» تعبیر کنند. لذا آموزش هدفمند کارکنان نسبت به تنوع دینی و فرهنگی، آشنایی با مفاهیم پایه‌ای اسلام و همکاری نزدیک‌تر با روحانیون مسلمان می‌تواند به کاهش سوءبرداشت‌ها، مدیریت واقع‌بینانه‌تر نگرانی‌های امنیتی و ایجاد محیطی فراگیرتر و حمایتی‌تر برای همه زندانیان کمک کند.

۳. بحث

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد شیوع قابل‌توجه گرایش به ارزش‌های اسلامی در میان بزهکاران غیر قابل انکار است. مشخصاً داده‌های تجربی نشان داد که گرایش به ارزش‌های اسلامی در زندان‌های کشورهای غربی به‌ویژه انگلستان پدیده‌ای شایع است. بی‌گمان گرایش به اسلام پدیده‌ای چندبعدی است که در تعامل میان شرایط فردی زندانیان، روابط اجتماعی درون زندان و ساختارهای نهادی شکل می‌گیرد؛ برای برخی زندانیان، ورود به زندان به‌نوعی نقطه عطف در تجربه دینی آنان تبدیل شده است. در روایت‌های زندانیان، زندان گاه به‌عنوان فضایی توصیف می‌شود که در آن فرد فرصت می‌یابد تا درباره گذشته خود تأمل کند و به بازاندیشی در سبک زندگی پیشین بپردازد.

در این زمینه، شروع یا بازگشت به اعمال عبادی مانند نمازهای روزانه یا مشارکت در فعالیت‌های دینی نه‌تنها به‌عنوان یک عمل مذهبی، بلکه به‌عنوان بخشی از فرآیند بازنگری در زندگی و تلاش برای تغییر مسیر

آینده است. برای مثال، در برخی روایت‌ها زندانیان اشاره نمودند که انجام منظم نمازهای واجب به آنان کمک کرده است تا نوعی نظم در زندگی روزمره خود ایجاد کنند و احساس آشفتگی روانی ناشی از شرایط زندان را کاهش دهند. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که اعمال عبادی می‌توانند در محیط زندان نقش نوعی «برنامه درمانی منظم» را ایفا کنند؛ برنامه‌ای که در شرایط محدودکننده زندان به زندانیان کمک می‌کند روزمرگی خود را معنادارتر سازمان دهند و احساس کنترل بیشتری بر رفتار و هیجانات خود داشته باشند.

این یافته را می‌توان در پیوند با مفاهیم نظری مرتبط با خودتنظیمی و نظم رفتاری در جرم‌شناسی تفسیر کرد در بسیاری از مطالعات جرم‌شناختی نشان داده شده است که نبود ساختارهای پایدار در فعالیت‌های روزمره افراد، به‌ویژه زمانی که اوقات فراغت بدون نظارت و برنامه‌ریزی سپری می‌شود، می‌تواند احتمال بروز رفتارهای پرخطر یا انحرافی را افزایش دهد (Osgood et al, 1996: 636). در چنین چارچوبی، ایجاد یک برنامه منظم از فعالیت‌های روزانه می‌تواند به تقویت خودکنترلی و کاهش رفتارهای تکانشی کمک کند که داده‌های این پژوهش به خوبی نشان داد که برای برخی زندانیان، اعمال عبادی اسلامی به‌ویژه نمازهای روزانه چنین نقشی را ایفا کرده است. در روایت‌های زندانیان، ارتباط منظم با نماز نه‌تنها به‌عنوان یک تکلیف دینی، بلکه به‌عنوان عاملی برای ایجاد آرامش روانی، تمرکز ذهنی و فاصله گرفتن از تنش‌های محیط زندان توصیف شده است. درواقع، در شرایطی که بسیاری از جنبه‌های زندگی زندانیان تحت کنترل ساختارهای زندان قرار دارد، انجام عبادات می‌تواند یکی از معدود حوزه‌هایی باشد که فرد در آن نوعی احساس عاملیت و انتخاب شخصی را تجربه می‌کند.

در این میان مفاهیمی مانند توبه، بخشش الهی و امکان «شروع دوباره» در آموزه‌های اسلامی برای برخی زندانیان چارچوبی فراهم کرده است تا گذشته مجرمانه خود را بازنگری کرده و روایت تازه‌ای از هویت خویش شکل دهند. در برخی مصاحبه‌ها، زندانیان بیان کرده‌اند که بازگشت به نماز یا آشنایی عمیق‌تر با آموزه‌های دینی به آنان کمک کرده است تا زندگی پیشین خود را از زاویه‌ای متفاوت ارزیابی کنند و مسئولیت رفتارهای گذشته را بپذیرند. این تجربه‌ها با آنچه در ادبیات جرم‌شناسی با عنوان «بازسازی روایت زندگی» در فرآیند فاصله گرفتن از جرم توصیف می‌شود هم‌خوانی دارد. در این رویکرد نظری، تغییر در هویت فردی

و شکل‌گیری روایت جدیدی از خود به‌عنوان فردی که می‌تواند مسیر متفاوتی در زندگی انتخاب کند یکی از عناصر کلیدی در فرآیند گذار از رفتار مجرمانه محسوب می‌شود.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که تجربه دین در زندان تنها به سطح فردی محدود نمی‌شود و ابعاد اجتماعی مهمی نیز دارد. در بسیاری از زندان‌های مورد مطالعه، فعالیت‌های جمعی دینی مانند نماز جماعت، جلسات آموزشی یا کلاس‌های قرآنی فضایی برای تعامل میان زندانیان فراهم می‌کند. چنین فضاهایی می‌تواند نوعی احساس تعلق و همبستگی ایجاد کند و برای برخی زندانیان به شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی درون زندان منجر شود. در برخی روایت‌ها، زندانیان اشاره کرده‌اند که پس از گرایش جدی‌تر به دین، روابط آنان با سایر زندانیان نیز تغییر کرده و بیشتر در چارچوب روابطی مبتنی بر احترام، همکاری و حمایت متقابل شکل گرفته است. این یافته‌ها با نظریه کنترل اجتماعی هم‌راستا است که بر اهمیت پیوندهای اجتماعی در کاهش رفتارهای انحرافی تأکید می‌کند. بر اساس این نظریه، هرچه پیوند فرد با شبکه‌های اجتماعی هنجارمند قوی‌تر باشد، احتمال مشارکت در رفتارهای ضداجتماعی کاهش می‌یابد. در این چارچوب، جماعت‌های دینی در زندان می‌توانند به‌عنوان یکی از بسترهای شکل‌گیری چنین پیوندهایی عمل کنند.

در عین حال، داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تجربه دینی در زندان به شدت تحت تأثیر شرایط نهادی و سیاست‌های زندان قرار دارد. مقایسه میان کشورهای مورد مطالعه بیانگر آن است که دسترسی زندانیان به فضاهای عبادی، حضور روحانیون مسلمان و نحوه سازماندهی خدمات دینی در زندان‌ها می‌تواند شکل و شدت این تجربه را تغییر دهد. برای مثال، در برخی زندان‌ها وجود ساختارهای رسمی برای خدمات دینی امکان دسترسی منظم زندانیان به روحانیون و برنامه‌های آموزشی را فراهم کرده است، درحالی‌که در برخی دیگر این فعالیت‌ها بیشتر به ابتکار فردی زندانیان یا تعاملات غیررسمی وابسته بوده است. علاوه‌بر این، سیاست‌های نهادی مربوط به دین مانند رویکردهای سکولار یا محدودیت‌های اداری می‌تواند بر نحوه حضور و سازماندهی فعالیت‌های دینی در زندان تأثیر بگذارد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که نقش دین در فرآیند بازپروری زندانیان صرفاً به باورهای فردی آنان وابسته نیست، بلکه تا حد زیادی به چارچوب نهادی و سازمانی

زندان نیز مرتبط است.

مجموع این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای برخی زندانیان، ارزش‌ها و اعمال اسلامی می‌توانند به‌عنوان منبعی برای معنا، نظم رفتاری و بازسازی هویت اخلاقی عمل کنند. در محیطی که بسیاری از افراد با بحران هویت، احساس طردشدگی اجتماعی یا ناامیدی نسبت به آینده مواجه هستند، آموزه‌های دینی می‌تواند چارچوبی برای بازاندیشی در گذشته و تعریف مسیر تازه‌ای برای آینده فراهم آورد. در عین حال، داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که این تجربه‌ها یکسان یا همگن نیستند و شدت و شکل آن‌ها بسته به شرایط فردی زندانیان، روابط اجتماعی درون زندان و سیاست‌های نهادی هر کشور متفاوت است. ازاین‌رو، تحلیل نقش دین در زندان مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد روانی، اجتماعی و ساختاری این پدیده است؛ ابعادی که در تعامل با یکدیگر می‌توانند زمینه‌های متفاوتی برای تجربه دینی و پیامدهای احتمالی آن در فرآیند بازپروری ایجاد کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

گرایش به ارزش‌های اسلامی در محیط زندان، پدیده‌ای چندوجهی است که از تعامل پیچیده عوامل روانی و اجتماعی و محیطی سرچشمه می‌گیرد. این مطالعه با بررسی داده‌های تجربی از زندان‌های انگلستان و فرانسه و سوئیس نشان داد که گرایش به ارزش‌های اسلامی، چه در قالب گرویدن غیرمسلمانان به اسلام و چه در قالب تقویت تعهد دینی در میان زندانیان مسلمان، نه‌تنها شایع است، بلکه به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای بازپروری و کاهش رفتارهای مجرمانه عمل می‌کند. برخلاف سوءتفاهم‌های رایج که این گرایش را به انگیزه‌های مادی یا پیوند با افراط‌گرایی مرتبط می‌دانند، یافته‌ها حاکی از آن است که این گرایش عمدتاً ریشه در نیازهای عمیق معنوی، جستجوی آرامش روانی و تلاش برای بازسازی هویت غیرمجرمانه دارد.

محیط زندان با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود، مانند انزوای اجباری و فشارهای روانی و جدایی از شبکه‌های اجتماعی بیرونی، بستری مساعد برای تأمل در زندگی گذشته و جستجوی معنا فراهم می‌کند. در این فضا، ارزش‌های اسلامی به‌ویژه مفهوم توبه و انابه، با ارائه چارچوبی معنوی برای بخشش و بازسازی شناختی، به زندانیان امکان می‌دهد گذشته مجرمانه خود را پشت سر بگذارند. بسیاری از آیات قرآن کریم

که بر محبت خداوند به توبه‌کنندگان تأکید دارد، انگیزه‌ای قوی برای تغییر رفتار ایجاد می‌کنند. این فرآیند، با کاهش احساس گناه و شرم، افزایش عزت‌نفس و تقویت حس عاملیت به زندانیان کمک می‌کند تا هویتی مبتنی بر اصلاح و مسئولیت‌پذیری بنا کنند.

از منظر اجتماعی، فعالیت‌های جمعی مانند نماز جماعت و مراسم رمضان و جلسات قرائت قرآن شبکه‌های حمایتی قدرتمندی را در محیط زندان ایجاد می‌کنند. این فعالیت‌ها با تقویت حس برادری و انسجام، به‌عنوان سازوکاری برای کنترل اجتماعی عمل کرده و رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگرانه را کاهش می‌دهند. زندانیان به‌ویژه آن‌هایی که از انزوای اجتماعی یا طردشدگی رنج می‌برند، از طریق این پیوندهای اجتماعی احساس تعلق، هویت جمعی و معنا در زندگی پیدا می‌کنند. این یافته‌ها با نظریه کنترل اجتماعی همخوانی دارند که بیان می‌کند پیوندهای اجتماعی قوی از رفتارهای انحرافی جلوگیری می‌کنند.

فعالیت‌های عبادی مانند نماز پنج‌گانه و روزه رمضان، با ایجاد نظم روزانه، به کاهش استرس و رفتارهای تکانشی کمک می‌کنند، درحالی‌که تعامل با همبندی‌ها ی مسلمان و دسترسی به روحانیون، این گرایش را تقویت می‌کند. از منظر محیطی، برنامه‌های دینی ساختارمند، مانند مشاوره‌های مبتنی بر ارزش‌های قرآنی و کلاس‌های مطالعات اسلامی، نقشی پیش برنده در تسهیل گرایش به ارزش‌های اسلامی ایفا می‌کنند. در انگلستان این برنامه‌ها به دلیل ساختارمندی و حمایت سیاستی، تأثیر بیشتری نسبت به فرانسه با محدودیت‌های ناشی از لائیسیته و سوئیس با کمبود برنامه‌های دینی داشته‌اند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نقش کلیدی سیاست‌های زندان در تقویت پتانسیل ارزش‌های اسلامی برای بازپروری است.

نتیجه و نظریه این پژوهش آن است که ارزش‌های اسلامی، از طریق ترکیب معنویت و حمایت اجتماعی و بازسازی هویت، رویکردی ترمیمی به حبس ارائه می‌دهند که بر اصلاح رفتار و جبران خسارت و بازگشت موفق به جامعه تأکید دارد. این رویکرد، برخلاف نظام‌های مجازات‌محور غربی که بر تنبیه متمرکزند، با تکیه بر ارزش‌هایی مانند توبه و صبر و برادری به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک می‌کند. همچنین برنامه‌های دینی مناسب، با ارائه تفاسیر امیدبخش از اسلام، نه‌تنها از گرایش به ایدئولوژی‌های افراطی جلوگیری می‌کنند، بلکه با تقویت حس آرامش و هدفمندی و تاب‌آوری به زندانیان کمک می‌کنند تا با چالش‌های

روانی و اجتماعی محیط زندان مقابله کنند. در مجموع، این مطالعه تأیید و تأکید می‌کند که ارزش‌های اسلامی می‌توانند زندان‌ها را از فضاهای صرفاً تنبیهی به محیط‌هایی برای تحول معنوی و آماده‌سازی زندانیان برای بازگشت به جامعه تبدیل کنند.

مقایسه نتایج این تحقیق با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که الگوهای مشاهده‌شده درباره نقش ارزش‌ها و اعمال اسلامی در زندان، از بسیاری جهات با یافته‌های بین‌المللی همسو است. پژوهش‌های کلاسیک بکفورد و همکاران (۲۰۰۵) و نیز خسروخاور (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که دین در محیط زندان اغلب کارکردی فراتر از عبادت پیدا می‌کند و به چارچوبی اخلاقی و هویتی برای مواجهه با فشارهای روانی، مدیریت تعارضات و بازسازی معنای زندگی تبدیل می‌شود. یافته‌های این پژوهش نیز همین الگو را تأیید می‌کند؛ به این معنا که زندانیان از طریق نماز، توبه، امید به بخشش الهی و مشارکت در فعالیت‌های جمعی مذهبی نوعی نظم درونی و ساختار رفتاری ایجاد می‌کنند که مشابه نمونه‌های گزارش‌شده در زندان‌های بریتانیا و فرانسه و هلند است. همچنین شباهت‌هایی میان نتایج این تحقیق و مطالعاتی که به بررسی گرایش زندانیان به اسلام در زندان پرداخته‌اند (Spalek, 2008; Aben & Lambert, 2020)، مشاهده می‌شود. در این مطالعات گرایش دینی اغلب با جستجوی معنا، نیاز به هویت جدید و تلاش برای بازسازی اخلاقی همراه است؛ امری که در داده‌های مورد تحلیل این پژوهش نیز تکرار می‌شود. زندانیان با تکیه بر مفاهیمی چون توبه، برابری اخلاقی و عدالت الهی، روایت‌های تازه‌ای از خود می‌سازند و گذشته خود را در پرتو باورهای جدید بازتفسیر می‌کنند. این بازسازی هویتی نه‌تنها از نظر روان‌شناختی ترمیم‌کننده است، بلکه از نظر اجتماعی نیز آن‌ها را در چارچوب شبکه‌های حمایتی کوچک اما مؤثر، مانند جماعت نماز و حلقه‌های دینی قرار می‌دهد.

بااین‌حال، یافته‌های این مطالعه همسو با برخی پژوهش‌های انتقادی‌تر نشان می‌دهد که تجربه دینی در زندان یکدست و یک‌لایه نیست و بسته به زمینه اجتماعی، فرهنگی و نهادی تفاوت‌هایی مهم دارد. برای مثال، خسروخاور (۲۰۱۴) تأکید می‌کند که زمینه نهادی فرانسه با رویکرد سکولار سختگیرانه می‌تواند شیوه تجربه دین را دگرگون کند؛ مشابه همین تفاوت‌ها میان انگلستان و فرانسه و سوئیس نیز در داده‌های این پژوهش قابل مشاهده است. بنابراین هرچند نتایج این تحقیق با یافته‌های بین‌المللی همخوان است، اما لازم

است تأکید شود که هرگونه تعمیم به زمینه‌هایی مانند ایران باید با احتیاط و توجه به تفاوت‌های ساختاری، ازجمله نقش مرکزی دین در جامعه، ساختار رسمی روحانیت و فرهنگ دینی اکثریت صورت گیرد. این مقایسه نشان می‌دهد که پژوهش حاضر بیشتر می‌تواند ارائه‌دهنده یک الگوی مفهومی باشد تا یک نتیجه قابل تعمیم و در عین حال ضرورت مطالعات میدانی بومی را برجسته می‌کند.

پیشنهادهای سیاستی برای ایران

همان‌طور که اشاره شد یافته‌های پژوهش حاضر عمدتاً بر داده‌های تجربی زندان‌های انگلستان و فرانسه و سوئیس استوار است، لذا تعمیم آن‌ها به ایران مستلزم توجه به تفاوت‌های نهادی و فرهنگی و حقوقی میان نظام‌های زندان در اروپا و ایران است. بر این مبنا، پیشنهادهای زیر که برآمده از نتایج این مطالعه‌اند، با در نظر گرفتن این تفاوت‌های بافتی و با رویکردی بومی‌سازی شده برای زمینه اجتماعی و دینی ایران ارائه می‌شوند. این پیشنهادها بر رواداری و پذیرش تنوع گرایش‌های مذهبی درون‌اسلامی تأکید دارند تا طیف‌های مختلف زندانیان جذب شوند و از تأثیرپذیری بالای زندانیان از همبندی‌ها ی مذهبی و مفاهیم امیدبخش قرآنی برای تحول درونی و پیشگیری از بزهکاری مجدد بهره‌برداری می‌کنند:

۱. تجویز برنامه‌های دینی برای گرایش‌های مذهبی و فکری مختلف

به برنامه‌های دینی گرایش‌ها و مذاهب مختلف اسلامی اجازه بروز و ظهور داده شود به‌گونه‌ای که همه گرایش‌های مذهبی مورد حمایت قانون اساسی بتوانند برنامه‌های خود را برای زندانیان آن مذهب ارائه دهند. نوع نگاه به این برنامه‌ها باید با رویکردی روادارانه باشد و به‌گونه‌ای که حس پذیرش و تعلق را در میان عموم زندانیان با تنوع مذهبی تقویت کنند و هر زندانی فرصت تأثیرپذیری از برنامه‌های متناسب با پیشینه، مذهب و شخصیت خود را داشته باشد.

۲. ارتقای دسترسی به منابع دینی با رویکرد فراگیر

دسترسی زندانیان به منابع دینی مانند قرآن و کتب فقهی و نسخه‌های صوتی و به زبان ساده برای زندانیان کم‌سواد یا بی‌سواد افزایش یابد. این منابع باید شامل متون و تفاسیر مورد پذیرش گرایش‌های مختلف اسلامی باشند. ایجاد کتابخانه‌های دینی و برنامه‌های صوتی و تصویری با محتوای معتدل و امیدبخش، مانند

سخنرانی‌هایی درباره رحمت و توبه، به‌ویژه برای زندانیانی که با انزوای اجتماعی یا مشکلات روانی مواجه‌اند، مؤثر خواهد بود.

۳. تشویق حفظ قرآن کریم با کاربست مشوق‌های ممکن

برنامه‌هایی برای تشویق زندانیان به حفظ آیات امیدبخش قرآن، مانند آیاتی که بر رحمت و توبه و بخشش الهی تأکید دارند، طراحی شود. مشوق‌هایی مانند کاهش مدت حبس، دسترسی به منابع آموزشی پیشرفته، یا تقدیرهای مادی ارائه شود. این برنامه‌ها با درونی‌سازی آیات قرآنی، به تحول درونی، کاهش استرس روانی و تقویت انگیزه برای دوری از بزهکاری مجدد کمک می‌کنند.

٤. تقویت نقش زندانیان مذهبی به‌عنوان الگوهای مثبت

زندانیانی با تعهد مذهبی بالا شناسایی و تحت نظارت روحانیون آموزش‌دیده، به‌عنوان الگوهای مثبت و تسهیلگران دینی فعالیت کنند. این افراد می‌توانند در هدایت گروه‌های مطالعاتی قرآن، سازماندهی مراسم‌های مذهبی، یا مشاوره غیررسمی به همبندی‌ها مشارکت کنند. آموزش‌های آن‌ها باید بر مفاهیم امیدبخش قرآنی و مهارت‌های ارتباطی متمرکز باشد تا حس انسجام و برادری اسلامی و حمایت اجتماعی را تقویت کرده و به‌ویژه برای زندانیان منزوی یا غیرمذهبی جذابیت ایجاد کند.

٥. آموزش کارکنان زندان برای تسهیل بازپروری دینی

کارکنان زندان آموزش‌هایی جامع درزمینهٔ ارزش‌های اسلامی، با تمرکز بر مفاهیم قرآنی مانند توبه، صبر، رحمت الهی و پذیرش تنوع مذهبی دریافت کنند. این آموزش‌ها با همکاری حوزه‌های علمیه و با تأکید بر تفاسیر معتدل، به کارکنان کمک می‌کند تا به‌عنوان تسهیلگران بازپروری عمل کنند و محیطی حمایتی برای تحول معنوی زندانیان ایجاد کنند، ضمن اینکه از سوءتفاهم‌های فرهنگی یا مذهبی جلوگیری می‌شود.

٦. ایجاد شبکه‌های حمایتی پس از آزادی

شبکه‌های حمایتی پس از آزادی با محوریت مساجد، سازمان‌های خیریه اسلامی و گروه‌های مذهبی محلی با رویکردی فراگیر طراحی شود تا از طریق مشاوره گروهی، کارگاه‌های آموزشی و فعالیت‌های خیریه، به بازسازی هویت و بازگشت موفق به جامعه کمک کند. تأکید ویژه‌ای بر حفظ ارتباط مستمر زندانیان

آزادشده با روحانیون زندان شود تا از طریق مشاوره‌های دینی و حمایت معنوی، پیوندهای معنوی و اجتماعی آن‌ها تقویت شده و خطر بازگشت به بزهکاری کاهش یابد.

۷. ادغام برنامه‌های دینی با درمان‌های روان‌شناختی

برنامه‌های ترکیبی ایجاد شود که مفاهیم اسلامی مانند انابه (بازگشت از روی محبت به خدا) را با درمان‌های شناختی‌رفتاری ادغام کند. برای مثال، جلسات هفتگی یک ساعته با حضور روانشناس و روحانی، جایی که زندانیان آیات هدایت الهی را با تمرین‌های مدیریت خشم ترکیب کنند. این رویکرد با تأکید بر تفاسیر امیدبخش قرآنی، به تحول درونی زندانیان کمک می‌کند.

۸. راه‌اندازی سامانه پیامک‌های دعا و امید

سامانه‌ای دیجیتال برای ارسال پیامک‌های امیدبخش راه‌اندازی شود که هفته‌ای یک آیه قرآنی، حدیث یا جمله‌ای الهام‌بخش به خانواده‌های زندانیان و زندانیان آزادشده ارسال کند. این سامانه با رویکرد فراگیر، به حفظ ارتباط مستمر با محیط اصلاحی زندان کمک کرده و پیوندهای معنوی و اجتماعی را پس از آزادی تقویت می‌کند که درنهایت به پیشگیری از بزهکاری مجدد یاری می‌رساند.

۹. اجرای طرح هم‌نوایی

گروه‌های همخوانی قرآن با محتوای امیدبخش و اخلاق‌محور در زندان‌ها ایجاد شود تا حس مثبت مشارکت و خلاقیت در زندانیان تقویت گردد. این طرح با رویکرد فراگیر به زندانیان کمک می‌کند تا از طریق فعالیت‌های خلاقانه و جمعی، آرامش درونی پیدا کنند و ارزش‌های اسلامی را درونی‌سازی نمایند که درنهایت به تحول معنوی و کاهش رفتارهای انحرافی منجر می‌شود.

۱۰. اجرای برنامه هر روز یک آیه امید

برنامه‌ای روزانه برای نمایش و پخش آیات امیدبخش قرآن در زندان‌ها اجرا شود تا زندانیان با مفاهیم رحمت الهی و توبه و گشایش پس از سختی آشنا شوند و آرامش روانی‌شان تقویت گردد. این آیات به صورت صوتی از بلندگوهای زندان در اوقات مشخصی از روز مانند قبل از اذان صبح برای شروع روز با امید، یا پس از نماز عشاء برای تأمل شبانه پخش گردد، این برنامه به زندانیان کمک می‌کند تا ارزش‌های اسلامی

مانند توبه و صبر را درونی‌سازی کنند، آرامش روانی‌شان افزایش یابد و انگیزه برای تحول درونی و دوری از بزهکاری مجدد تقویت شود.

این پیشنهادهای سیاستی با تکیه بر یافته‌های مطالعه و هماهنگی با زمینه فرهنگی و دینی ایران به‌ویژه تأکید بر رواداری، پذیرش تنوع گرایش‌های مذهبی و بهره‌گیری از مفاهیم امیدبخش قرآنی می‌توانند ظرفیت ارزش‌های اسلامی را در بازپروری زندانیان به حداکثر برسانند. با اجرای این برنامه‌ها، زندان‌های ایران می‌توانند از فضاهای صرفاً تنبیهی به محیط‌هایی برای تحول معنوی و بازسازی هویت و آماده‌سازی زندانیان برای بازگشت موفق به جامعه تبدیل شوند. این رویکرد نه‌تنها به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک می‌کند، بلکه با تقویت انسجام اجتماعی و ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی به ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر و منسجم‌تر یاری می‌رساند.

فهرست منابع

حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و یاسینی‌نسب، مجتبی (۱۴۰۱). «مقایسهٔ خودکنترلی از منظر هیرشی و فیض کاشانی با تأکید بر محجّه البیضا». **پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، دوره۹، شماره ۴.

نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۳ق)، **جامع السعادات**، تصحیح: سید محمد کلانتر، چاپ سوم، جلد ۳، نجف اشرف: جامعة النجف الدینیه.

References

Aben, R. (2020). Religious practice and Muslim chaplaincy in Dutch prisons. Journal of Muslims in Europe, 9(2), 188–207.

Al-Hajjar, M. S, & Hassan, S. (2023). Islamic practices as powerful tools for coping with prison life: experiences of men in a Belgian prison. Journal of Offender Rehabilitation. DOI: 10.1080/10509674.2024.2433283.

Beckford, J. A, Joly, D, & Khosrokhavar, F. (2005). Muslims in prison: Challenge and change in Britain and France. Palgrave Macmillan. DOI: 10.1057/9780230501300

Beckford, J. A, Joly, D, & Khosrokhavar, F. (2005). Muslims in prison: Challenge and change in Britain and France. Palgrave Macmillan.

Braithwaite, J. (1989). Crime, shame and reintegration. Cambridge University Press.

Dammer, H. R. (2002). The influence of religion on correctional outcomes. Corrections Compendium, 27(4), 1-5.

El-Awa, M. S. (1982). Punishment in Islamic law: A comparative study. American Trust Publications. (as cited in Wilkinson et al, 2022).

Eleanor, K. (2020). Killing for God: Akers' Social Learning Theory Applied to the Case of Daniel Lafferty. Journal of Leadership, Accountability and Ethics, 17(6). https://doi.org/10.33423/jlae.v17i6.3801

Hackett, C, Connor, P, & Stonawski, M. (2015). The future of world religions: Population growth projections, 2010–2050. Pew Research Center. https://www.pewresearch.org/religion/2015/04/02/religious-projections-2010-2050/

Hamm, M. S. (2009). Terrorist recruitment in American correctional institutions: An exploratory study of non-traditional faith groups. Journal of the Institute of Justice and International Studies, (9), 1-12.

Hamm, M. S. (2013). The spectacular few: Prisoner radicalization and the evolving terrorist threat. New York University Press. (as cited in Wilkinson et al, 2022). DOI: 10.18574/nyu/9780814725443.001.0001

Heaton, J. (2004). Reworking qualitative data. SAGE Publications. DOI: 10.4135/9781849209878

Hirschi, T. (1969). Causes of delinquency. Berkeley: University of California Press. (as cited in Wilkinson et al, 2022).

Humphrey, M. (1998). Islam, multiculturalism and transnationalism: From the Middle East to Australia. I.B. Tauris.

Jang, S. J, & Johnson, B. R. (2021). The effect of religion on emotional well-being among offenders in correctional centers of South Africa: Explanations and gender differences. Justice Quarterly, 38(6), 1154-1181. https://doi.org/10.1080/07418825.2019.1689286

Johnson, B. R, & Larson, D. B. (2003). The inner change freedom initiative: A preliminary evaluation of a

faith-based prison program. Justice Quarterly, 20(2), 357–380.

Khosrokhavar, F. (2014). Radicalization in prison: The French case. Politics, Religion & Ideology, 15(2), 284–306.

Liebling, A. (2012). Insights from a prison inspection. British Journal of Criminology, 52(2), 235-250. https://doi.org/10.1093/bjc/azr076 (as cited in Wilkinson et al, 2022).

Nemeth, S. C. (2017). Rational Choice and Religious Terrorism. In J. R. Lewis (Ed.), The Cambridge Companion to Religion and Terrorism (pp. 102-115). Cambridge University Press. https://www.cambridge.org/core/books/cambridge-companion-to-religion-and-terrorism/rational-choice-and-religious-terrorism/0CE02E5856AB99D78132D36A748F38E5

O'Connor, T. P, & Perreyclear, M. (2002). Prison religion in action and its influence on offender rehabilitation. Journal of Offender Rehabilitation, 35(3–4), 11–33.

Osgood, D. W, Wilson, J. K, O'Malley, P. M, Bachman, J. G, & Johnston, L. D. (1996). Routine activities and individual deviant behavior. American Sociological Review, 61(4), 635–655.

Spalek, B, & El-Hassan, S. (2007). Muslim converts in prison. Howard Journal of Criminal Justice, 46(2), 99-114. https://doi.org/10.1111/j.1468-2311.2007.00459.x (as cited in Wilkinson et al, 2022).

Spalek, B, & Lambert, R. (2008). Muslim converts in prison. The Howard Journal of Criminal Justice, 47(2), 99–114.

Sykes, G. M. (1958). The society of captives: A study of a maximum security prison. Princeton University Press. DOI: 10.1515/9781400828272

Tajfel, H, & Turner, J. C. (1979). An integrative theory of intergroup conflict. In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), The social psychology of intergroup relations (pp. 33-47). Brooks/Cole. (as cited in Wilkinson et al, 2022).

UK Government 2016. Summary of the Main Findings of the Review of Islamist Extremism in Prisons, Probation and Youth Justice. https:// www.gov.uk/ gov ernm ent/ publi cati ons/ islam ist- extrem ism- in- pris ons- probat ion- and- youth- just ice/ summ ary- of- the- main- findi ngs- of- the- rev iew- of- islam ist- extrem ism- in- pris ons- probat ion- and- youth- just ice

Wacquant, L. (2002). The curious eclipse of prison ethnography in the age of mass incarceration. Ethnography, 3(4), 371-397. DOI: 10.1177/1466138102003004012

Wilkinson, M, Irfan, L, Quraishi, M, & Purdie, M. S. (2022). Islam in prison: Finding faith, freedom and fraternity. Policy Press. DOI: 10.1332/policypress/9781447363651.001.0001

Woodbridge, E, Vanhouche, A. S, & Lechkar, I. (2024). Islamic practices as powerful tools for coping with prison life: Experiences of men in a Belgian prison. The Prison Journal, 104(3), 329-348. DOI: 10.1080/10509674.2024.2433283

In Persian

Haji Dehabadi, Mohammad Ali, & Yassini Nasab, Mojtaba. (2022). A Comparative Study of Self-Control from the Perspectives of Hirschi and Fayz Kashani with Emphasis on Al-Mahajja al-Bayda. Comparative Research of Islamic and Western Law, 9(4).

Naraqi, Mohammad Mahdi. (n.d. [ca. 1903 CE]). Jāmiʿ al-Saʿādāt (Vol. 3, critical ed. by Sayyid Mohammad Kalantar, 3rd ed). Najaf al-Ashraf: Jāmiʿat al-Najaf al-Dīniyya.